

معاذت قضایی دول با دیوان کیفری بین المللی با تأکید بر کشور افغانستان^۱

علی محمد سروری^۲

چکیده

تأسیس دیوان کیفری بین المللی تحول بزرگی در حقوق بین الملل ایجاد کرد؛ زیرا برخلاف اعصار گذشته، مرتکبان جرائم و جنایات خطرناک و بین المللی، فقط تابعیت دولت واحد را نداشته و در جغرافیای واحد مرتکب جرم نمی شوند. آن ها از «سهولت و سرعت» حمل و نقل جهانی استفاده کرده، تغییر مکان می دهند تا از چنگ قانون فرار کنند و مورد تعقیب و پیگرد قرار نگیرند. گام اساسی جهت به محاکمه کشاندن مجرمان بین المللی و ناقضان فاحش حقوق بشر، تعهد همه کشورها به همکاری قضایی با دیوان است. مقررات همکاری دولت ها با دیوان در فصل نهم اساسنامه و در قالب مواد ۸۶ تا ۱۰۲ تشریح شده است. چون ماهیت این اساسنامه قراردادی است، در تمامی موضوعاتی که نیازمند همکاری و معاضدت است، بین کشورهای عضو و غیر عضو دیوان تمایز قائل شده است. کشورهای عضو الزاماً موظف به همکاری اند، درحالی که کشورهای غیر عضو، فاقد تعهد اولیه می باشند و ملزم به همکاری نیستند. گاهی این تمایز برداشته می شود و همه کشورها به صورت یکسان ملزم به همکاری و معاضدت با دیوان هستند و آن زمانی است که شورای امنیت ملل متحد تصمیمی اتخاذ نموده باشد و از جامعه جهانی خواسته باشد که با دیوان همکاری و معاضدت قضایی نمایند. کشور افغانستان در تاریخ ۳۱ مارچ ۲۰۰۳ رسماً به دادگاه (محکمه) جزایی بین المللی پیوست و متعهد به همکاری و مساعدت قضایی با دیوان شد که در همین راستا تا هنوز چندین مورد جنایات جنگی در افغانستان از سوی دادستان دیوان اعلام شده و در حال بررسی است. در این تحقیق، معاضدت قضایی کشورها با دیوان با تأکید بر کشور افغانستان به بحث گرفته شده است.

کلیدواژه ها: اساسنامه، دادگاه، همکاری و معاضدت قضایی.

1. Judicial assistance's of countries with International Criminal Court-Afghanistan.

۲. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعة المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان.

مقدمه

جنگ افروزان و متجاوزان به حقوق بشر در گذشته جنایات بزرگی مرتکب شده‌اند؛ اما به دلیل فقدان یک محکمه کیفری بین‌المللی و در پناه حصار «حاکمیت» مصون از کیفر و مجازات بوده‌اند. حاکمیت ملی کشورها و حساسیت دولت‌ها به آن باعث شده بود جنایتکاران از آن حساسیت به‌عنوان «گذرنامه بی‌کیفری» خویش استفاده نموده و هیچ‌گاه کیفر نبینند.

با گسترده‌ی ارتباطات جهانی و پیوستگی مسائل بین‌المللی که موجب پیدایش «پدیده جهانی» شدن شده است، کلیه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و حقوق بشری تحت تأثیر قرار گرفته و دگرگون شده است. نظم، عدالت، صلح و امنیت بین‌المللی و حقوق جنایی نیز در این فرایند قرار گرفته و دچار تحولات بزرگی شده است. پس از جنگ دوم جهانی و تحت تأثیر توصیه‌های نهادهای مجمع عمومی ملل متحد، همگرایی و همسانی خاصی میان کشورهای جهان در امور سیاسی، اجتماعی، کیفری و معاضدات قضایی به وقوع پیوسته که در حال گسترش است.

بعد از آن‌که ۱۲۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس دیپلماتیک تام‌الاختیار ملل متحد در شهر رم ایتالیا بر ایجاد یک محکمه کیفری بین‌المللی توافق کردند، رؤیای دیرین نسل بشر به حقیقت پیوست و دیوان کیفری بین‌المللی با مأموریت تاریخی تأسیس شد که «حرکتی شگرف به‌سوی تحول و تکامل حقوق بین‌الملل و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی است». از آنجایی که دیوان فاقد نیروی نظامی و پولیس می‌باشد، همکاری و معاضدت قضایی جامعه جهانی عامل تعیین‌کننده در پیش‌برد اهداف، مأموریت تاریخی و تحقیق و تعقیب دیوان است. اساسنامه دیوان تعهد عام را در جهت همکاری و معاضدت قضایی دول با دیوان بر عهده کشورهای عضو نهاده و از آن‌ها کمال همکاری با دیوان را خواسته است که در این مقاله به همکاری قضایی دول با دیوان با تأکید بر کشور افغانستان، پرداخته شده است.

۱. تعهد کشورها به همکاری با دیوان^۱ کیفری بین المللی

برای اینکه دیوان کیفری بین المللی (ICC) بتواند مأموریت تاریخی خویش^۲ را به صورت مؤثر انجام دهد، شرایط اساسی و بنیادی معین باید وجود داشته باشد. بدین معنا که علاوه بر تأمین بودجه مالی مورد نیاز و کادر انسانی مجرب و متخصص، عامل بسیار تعیین کننده دیگر، همکاری کشورها با دیوان است. زیرا دیوان از این جهت که فاقد پولیس یا نیروهای انتظامی شخصی است با دادگاه های ملی متفاوت است. دادگاه های ملی کشورها به دنبال اعلام جرم و صدور کیفرخواست، از قوه قهریه و نیروی انتظامی برخوردار است که در صورت نیاز، به آنها متوسل شده و مجرم یا محکوم را حاضر نموده و مقرراتش را به اجرا درمی آورد. اما دیوان کیفری بین المللی، اعلام جرم می نماید، کیفرخواست صادر می کند، تحقیق انجام می دهد و شواهد و مدارک و اسناد نیز جمع آوری می کند در حالی که فاقد بازوی قوه قهریه و نیروی مسلح است. از این جهت همکاری دولت های عضو و غیر عضو نقش تعیین کننده در پیشبرد اهداف دیوان و انجام مأموریت تاریخی آن خواهد داشت (enqi, Zhu, 2006: 88).

بحث همکاری دولت ها به عنوان تکلیف اعضای جامعه جهانی با مراجع قضایی بین المللی از دیرباز در مجامع بین المللی به منظور مشارکت در مبارزه علیه بی کیفری و پیشگیری از جنایات جدید، مطرح بوده است. پیش از آنکه دادگاه کیفری بین المللی تأسیس شود، چندین دادگاه کیفری

۱. در خصوص اینکه ترجمه کلمه Court به «دیوان» مناسب تر از «دادگاه» (محکمه) است، چند دلیل آورده شده است: ۱- دیوان بر بیش از یک دادگاه معین دلالت دارد و شامل مجموعه ای از شعبه ها می گردد و ICC این گونه است: دارای تشکیلات اداری، دادسرا و شعبه بدوی و تجدیدنظر است. ۲- در حقوق ملی و بین المللی، دیوان ناظر بر مراجع عالی است نه عادی و ICC یک مرجع قضایی عالی جهانی است. اینکه «دادگاه» مناسب تر از دیوان است، به علت اینکه ICC عین یک دادگاه است که دادسرا (ثانوالی) را نیز در کنارش دارد، نیز طرفدارانی دارد. همین طور در تقدیم و تأخیر کلمه «بین المللی» نیز دو نظر متفاوت ارائه شده است: برخی ها «دیوان بین المللی کیفری» گفته اند به علت اینکه بین المللی بودن این تأسیس مقدم بر کیفری بودن آن است اما در مقابل تعدادی از دانشمندان از اصطلاح «دیوان کیفری بین المللی» استفاده کرده اند به این دلیل که ترجمه فارسی (International Criminal Court) دیوان کیفری بین المللی و ترجمه عربی آن، «المحكمة الجنائية الدولية» است (رهگشا، ۱۳۹۳: ۹-۱۰).

2. Historic mission.

بین‌المللی خاص و موقت نظیر دادگاه «نورمبرگ» و «توکیو» ایجاد گردیده بود که در اساسنامه و دستور هر دو دادگاه از دول امضاکننده تقاضا شده بود به منظور حاضر ساختن جنایتکاران بزرگ جنگ دوم جهانی با آن دادگاه‌ها همکاری کافی و لازم را داشته باشند: ماده ۳ موافقت‌نامه لندن ۸ اوت ۱۹۴۵ و بند ۳ دستور ۹۶۶۰ دادگاه توکیو. همچنین مواد ۲۸ و ۲۹ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی «یوگسلاوی» سابق و «رواندا» نیز دولت‌ها را ملزم به همکاری با این دو دادگاه کرده بود.^۱

در سال ۱۹۸۹ زمانی که دیوان کیفری بین‌المللی تأسیس شد، دوباره بحث بر سر نحوه همکاری دول با این دیوان مطرح گردید. فصل نهم اساسنامه دیوان، تعهد عامی را در جهت همکاری و معاضدت قضایی دول با دیوان مذکور، بر عهده دول عضو نهاده و از آن‌ها کمال همکاری با دیوان را خواسته است (اردیلی، ۱۳۸۳، ص ۱۸-۱۹). چالش اساسی همکاری دول با دیوان کیفری بین‌المللی این مسئله است که مرتکبان جرائم بین‌المللی (چه جرایمی که تحت عناوین کلی مجرمانه قرار گرفته است مثل جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی و چه جرایمی که عناوین مشخص گرفته‌اند (مثل ژنوساید و تجاوز مسلحانه) از دو ویژگی مهم برخوردارند:

یکی اینکه آن‌ها معمولاً از موقعیت رسمی و جایگاه سیاسی و حاکمیتی برخوردارند که در امر گرفتاری و تعقیب آن‌ها با اقتدار و حاکمیت^۲ ملی یک کشور مواجه می‌شویم و قوانین بسیاری از کشورها برای سران دولتها مصونیت قضائی قائل شده‌اند.

دوم اینکه آن‌ها به حاکمیت یک کشور مستقلاً عضو جامعه جهانی منتسب هستند که هر دولت در مواقع تعارض منافع و حاکمیت ملی با منافع جامعه بین‌المللی، بسیار دشوار خواهد بود که از منافع ملی درگذرد و به منافع جامعه جهانی اولویت داده و احترام قائل شود.

۱. مواد ۲۸ و ۲۹ اساسنامه آن دو دادگاه: ۱- دولتها مکلف‌اند در انجام تحقیق و تعقیب اشخاصی که به ارتکاب نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی متهم‌اند با این دادگاه همکاری نمایند. ۲- دولتها مکلف‌اند هرگونه درخواست تعاون قضایی یا دستوری را که یکی از شعب دادگاه صادر کرده باشد، بدون تأخیر ناموجه به‌موقع اجرا گذارند و در جهت شناسایی و یافتن اشخاص، استماع شهادت و تحصیل دلیل، تسلیم اسناد و ... [همکاری لازم را داشته باشند].

2. Sovereignty.

از سال ۲۰۰۰ به بعد که شورای امنیت سازمان ملل، ورود جدی تری در این مسئله پیدا کرد و دولت ها را به همکاری فراخواند، همکاری دول در مقابله با جرائم بین المللی از چارچوب سنتی خویش که همان همکاری داوطلبانه و یا بر اساس موافقت نامه خاص بود، فراتر رفت و در قالب فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد ظهور یافت که ترسیم کننده رابطه میان دیوان و شورای امنیت است و از پشتوانه اجرایی جدی و مستحکمی برخوردار است (دلخوش، ۱۳۹۰، ص ۱۸-۱۹).

بر اساس آنچه در دیپاچه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و ماده ۲۷ آن اساسنامه آمده است، مهم ترین پیام دیوان کیفری بین المللی به جامعه جهانی این بود که از این پس هیچ موانعی نظیر حق حاکمیت دول، اصل عدم مداخله، سمت رسمی مقامات و دیوار بلند حاکمیت، نمی تواند پناهگاه امنی باشد برای طراحان، آمران، عاملان و مرتکبان جرائم علیه بشریت. آن ها در هر کجا باشند، در هر موقعیتی سیاسی و نظامی باشند از محاکمه و مجازات رفتار مجرمانه و نقض فاحش حقوق ابتدایی بشری و تجاوز به اخلاق بین المللی نمی توانند فرار کنند (موسی زاده و امینیان، ۱۳۹۰، ص ۲۱).

۲. همکاری کشورهای عضو و غیر عضو دیوان^۱

برخلاف دادگاه های یوگوسلاوی سابق و رواندا که از ارکان فرعی شورای امنیت ملل متحد به شمار رفته و تمامی دولت ها ملزم به همکاری و معاضدت هستند، دیوان بین المللی کیفری ماهیت قراردادی داشته و مبتنی بر رضایت طرفین است (شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۵۲۴). بر اساس اصول و قوانین عمومی قراردادها که در کنوانسیون قانون قراردادها در «ویانا» آمده است، فقط کشورهای عضو، ملزم به همکاری کامل هستند و کشورهای غیر عضو این الزام و تعهد را ندارند.

همان طوری که در قراردادهای معاملاتی و تجاری، زمانی یک قرارداد لازم الاجرا گردیده و طرفین قرارداد ملزم به اجرای مواد قرارداد می گردند که رضایت و طیب

1. State parties and non-party states co-operation.

نفس هر دو جانب معامله حاصل شده باشد و گر نه آن قرارداد هیچ اثر حقوقی نخواهد داشت.

فصل نهم اساسنامه دیوان (ماده ۸۶) تحت عنوان «تعهد عمومی به همکاری» اختصاص به همکاری و معاضدت قضایی دول با دیوان دارد؛ اما با توجه به ماهیت قراردادی اساسنامه و تفاوت‌های عمده تعهدات دولت‌های عضو و غیر عضو و همین‌طور گوناگونی مسئولیت‌های مترتب بر هر دو گروه، ماده ۸۷ اساسنامه به تفصیل و تشریح وضعیت تعهدات دول عضو و غیر عضو پرداخته است (دلخوش، ۱۳۹۰، ص ۳۰۸). بند ۵ ماده ۸۷ اساسنامه، به همکاری دول غیر عضو پرداخته است که تصریح می‌دارد: دیوان می‌تواند هر یک از دولت‌های غیر عضو را دعوت به مساعدت بر اساس این فصل به موجب توافقنامه‌ای ویژه بنماید. اساسنامه در مورد همکاری دول عضو از کلمه «درخواست» و در ارتباط به همکاری دول غیر عضو، از کلمه «دعوت»^۲ استفاده کرده است که ماهیت اختیاری و داوطلبانه اساسنامه را نشان می‌دهد (Wenqi, Zhu, 2006, p.89).

بر این اساس، اساسنامه در تمامی موارد و موضوعاتی که نیازمند همکاری و معاضدت بین‌المللی است، بین کشورهای عضو دیوان که اساسنامه را امضا کرده‌اند و کشورهای غیر عضو دیوان که اساسنامه آن را امضا نکرده‌اند، تمایز قائل شده است. دول عضو دیوان الزاماً موظف به همکاری اند (همکاری عمودی^۳) در حالی که دول غیر عضو، ابتدائاً فاقد تعهد و الزام اولیه در قبال دیوان می‌باشند و آن‌ها این الزام و اجبار را ندارند. فقط در یک صورت این تمایز برداشته می‌شود و تمامی دول عضو غیر عضو به صورت یکسان ملزم به همکاری و معاضدت با دیوان هستند و آن زمانی هست که شورای امنیت ملل متحد وضعیتی را به دیوان ارجاع دهد و از جامعه جهانی خواسته باشد که با دیوان همکاری و معاضدت قضایی نمایند. در این صورت همه

۱. ماده ۸۶ اساسنامه دیوان: دولت‌های عضو، در انجام تحقیق و تعقیب جنایت‌های مشمول صلاحیت دیوان کمال همکاری را با دیوان به عمل خواهند آورد.

2. Request-Invite.

۳. تعهد اولیه.

دول جهان، ملزم به همکاری قضایی با دیوان هستند (موسی زاده و امینیان، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰-۱۳۲). آنگاه رضایت دولت محل وقوع جنایت، دولت متبوعه متهم و یا دولت آسیب دیده مطرح نخواهد بود. بر اساس اصل صلاحیت تکمیلی، شورای امنیت در صورتی اقدام به ارجاع یک وضعیت^۱ می نماید که دادگاه کیفری ملی یک کشور یا مایل به محاکمه نباشد یا قدرت اجرایی کافی برای محاکمه نداشته باشد یا اینکه اقدام به محاکمه تشریفاتی و صوری به منظور تبرئه متهم نماید (رهگشا، ۱۳۹۳، ص ۵۶).

بنابراین، اساس همکاری دیوان کیفری بین المللی (ICC) با دولت ها بر معیار تمایز و تفکیک میان دول عضو و غیر عضو است. دول عضو ملزم به رعایت دستورات دیوان کیفری در اجرای مفاد اساسنامه می باشند و در صورت عدم همکاری دول عضو با دیوان، طبق بند (۷) ماده ۸۷ اساسنامه، دیوان می تواند پرونده کشور خاطی را به «مجمع دولت های عضو» ارجاع دهد و اگر چنانچه موضوع را شورای امنیت سازمان ملل متحد به دیوان ارجاع داده باشد، دیوان آن را به شورای امنیت ملل متحد ارجاع داده و عدم همکاری کشور یا کشورهای خاطی را اعلام می نماید که در هر دو حالت، آثار سوء سیاسی و غیر سیاسی زیادی در پی خواهد داشت (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۵).

بر اساس بند ب ماده ۱۳ اساسنامه و فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت ملل متحد در مواردی می تواند اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جنایات مذکور در ماده (۵) اساسنامه را حتی در کشورهای که عضو اساسنامه دیوان هم نباشند، تأیید نموده و وضعیت یک کشور را به دیوان ارجاع دهد و آن زمانی است که وضعیتی به وجود آمده باشد که در آن یک یا چند جنایت از جنایات چهارگانه تحت صلاحیت دیوان در یک سرزمین ارتکاب یافته باشد (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹).

بر همین اساس بود که شورای امنیت ملل متحد در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵ م وضعیت دارفور سودان و صدور قرار جلب آقای عمر البشیر (رئیس جمهور وقت

۱. ارجاع وضعیت، نه ارجاع یک پرونده که شورای امنیت، حق ارجاع پرونده را ندارد و منظور از «وضعیت»، حالتی است که یک یا چند جنایت ارتکاب یافته است که از نظر شورا، صلح و امنیت بین المللی را به خطر انداخته یا با تهدید مواجه کرده باشد (رهگشا، ۱۳۹۳، ص ۵۶).

سودان) و وضعیت کشور لیبی در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد که نشانگر این مطلب است که دول غیر عضو اساسنامه نیز در مواردی که صلح و امنیت جهانی، با خطر مواجه باشد، قابل تعقیب و پیگرد قرار می‌گیرند و این عدم عضویت آن‌ها حصار و پناهگاه برای مرتکبان جرائم بین‌المللی نیست (امیر فرج، ۲۰۰۹، ص ۲۷).

۳. همکاری دول با دیوان کیفری بین‌المللی در قالب معاضدت قضایی

۳-۱. تعریف معاضدت قضایی

معاضدت قضایی^۱ عبارت است از شرایطی که دولت مورد تقاضا با درخواست مرجع قضایی بین‌المللی در ارتباط به موارد: ابلاغ اوراق قضایی، انجام تحقیقات، جمع‌آوری ادله، استماع شهود، تعقیب کیفری که در اصطلاح قضایی به آن‌ها «نیابت قضایی» خوانده می‌شود، جهت مبارزه با بزهکاری و گسترش عدالت، همکاری و موافقت می‌نمایند (دیهم، ۱۳۸۴، ص ۲۶۷). با توجه به پیشرفت‌های مهمی که در عصر کنونی در زمینه حمل و نقل عمومی در سطح جهان به وجود آمده است -نظیر سرعت و سهولت- یکی از مجاری فرار برای مجرمانی که جرائم سازمان‌یافته و یا دسته‌جمعی را مرتکب می‌شدند، این است که از کشور متبوع خودشان فرار کنند و به کشور دیگر پناهنده شوند تا دستگاه قضایی کشور متبوع دسترسی به آن‌ها نداشته باشند و در نتیجه مورد تعقیب و مجازات قرار نگیرند علاوه بر این «تحول در ماهیت جرایمی نظیر سازمان‌یافتگی، فراملی شدن و فنی شدن» باعث شده است معاضدت و همکاری قضایی کشورها در میان خود کشورها و همین‌طور مساعدت قضایی دول با مراجع قضایی بین‌المللی، نظیر دادگاه بین‌المللی کیفری اهمیت چشم‌گیری پیدا کرده و از آن به‌عنوان مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه تعاملات در زمینه مبارزه با بزهکاری و گسترش عدالت در سطح جهان یاد می‌شود (نجارزاده، ۱۳۹۵، ص ۱).

1. Judicial assistance.

۳-۲. انواع معاضدت قضایی دول با دیوان بین المللی کیفری

۳-۲-۱. درخواست دستگیری و تحویل متهم به دیوان

اگر یک دولتی درخواست انتقال یک متهم یا مجرم را داشته باشد از نظر ترمینولوژی «استرداد» گفته می شود و اگر این درخواست از ناحیه دیوان کیفری بین المللی (ICC) صورت گرفته باشد، «درخواست تحویل متهم» خوانده می شود. (ماده ۱۰۲ اساسنامه-استفاده از واژه ها). ماده ۸۹ اساسنامه به «تحویل اشخاص به دیوان» اختصاص دارد. مهم ترین معاضدت و همکاری دولتها با دیوان در فصل نهم و دهم (ماده ۸۶ و ماده ۱۰۳) اساسنامه مطرح شده است. دیوان در مورد دستگیری و تحویل متهم به دیوان، به علت اهمیت بسیار بالای این قضیه که در حقیقت فلسفه تشکیل دیوان است. - دیباچه و ماده (۱) اساسنامه دیوان^۱- بسیار با جدیت وارد شده است و هرگونه ممانعت و عدم پذیرش درخواست همکاری با دیوان از ناحیه دولت یا دول عضو مورد تقاضا را تحت هر عنوانی نپذیرفته است (اردبیلی، ۱۳۸۳، ص ۲۹). و خواستار تحویل یا بازداشت موقت فوری متهم یا مجرم به دیوان شده است (بند (۱) ماده ۵۹ اساسنامه). بر اساس بند (۳) ماده ۵۹، شخص دستگیر شده می تواند آزادی موقتش را تا زمان تحویل، از مرجع صالح قضایی درخواست کند.

دیوان به منظور رفع نگرانی حاکمیتی دولتها و جلوگیری از تضعیف ساختار همکاری دیوان با دولتها، بعضی موارد از درخواست تحویل یا بازداشت فوری اش صرف نظر کرده و راهکار موارد استثنایی در تحویل اشخاص به دیوان را پیش بینی نموده است که در صورتی که درخواست تحویل متهم به دیوان مورد اعتراض متهم مبنی بر اینکه اتهام ادعا شده شامل قاعده «منع محاکمه مجدد» است، واقع شود و همین طور اگر چنانچه شخص مورد درخواست، در همان سرزمین مورد درخواست، در حال تحمل کیفر به خاطر ارتکاب جرمی غیر از جرم درخواست شده باشد، تحویل آن شخص به دیوان تا زمانی که بررسی ها انجام نشده و نتیجه نهایی اعلام

۱. دیباچه: مصمم به اینکه به بلا مجازات ماندن مرتکبین این جنایات پایان داده و هر دولتی وظیفه دارد صلاحیت کیفری خویش را بر مرتکبان جنایات بین المللی اعمال نمایند. ماده (۱): ... دیوان دارای قدرت اعمال صلاحیت خود بر اشخاصی هست که شدیدترین جنایاتهای مورد دغدغه بین المللی را مرتکب شده اند.

نشود، به تأخیر و تعویق می‌افتد (دلخوش، ۱۳۹۰، ص ۳۶۰-۳۶۳).

زمانی که متهم مزبور به دیوان تحویل شد، شعبه مقدماتی دیوان با تحقیقات و بررسی‌هایی که انجام می‌دهد باید به این اطمینان برسد که شخص مذکور جنایات ادعا شده و مشمول صلاحیت دیوان را مرتکب شده است (بند (۱) ماده ۶۰ اساسنامه). این اطمینان را شعبه مقدماتی دیوان توسط تشکیل جلسه‌ای که پس از تسلیم شخص به دیوان و پس از ظرف مدت زمان معقول با حضور دادستان، متهم و وکیل متهم تشکیل خواهد داد، حاصل خواهد کرد (بند ۱ ماده ۶۱).

۳-۳. به جریان انداختن فرایند رسیدگی و همکاری بین‌المللی

طبق ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، جهات شروع به رسیدگی قضایی (تعقیب عدلی) در دیوان سه مورد است:

الف) یک دولت عضو، وضعیتی که در آن یک یا چند جنایت ارتکاب یافته است را به دادستان دیوان ارجاع نماید؛

ب) شورای امنیت ملل متحد به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد، وضعیتی را که جنایات در آن ارتکاب یافته است، به دادستان دیوان ارجاع دهد؛

ج) دادستان شخصاً به موجب ماده ۱۵ اساسنامه، وضعیتی را ملاحظه نموده یا دریافت دارد که جنایت یا جنایات فجیع و گسترده بشری و بین‌المللی ارتکاب یافته باشد.

برخلاف دادگاه یوگوسلاوی سابق و رواندا که دارای صلاحیت موازی و تقدم آن‌ها با صلاحیت محاکم ملی بود، طبق فراز دهم دیباچه و ماده ۱ اساسنامه، شروع تعقیب عدلی دیوان، بر اساس اصل صلاحیت تکمیلی است بدین معنا که اگر یک پرونده‌ای که تحت صلاحیت یک دولت است، رسیدگی قضایی به آن و یا تعقیب عدلی شروع شده و در جریان باشد و یا قبلاً انجام شده باشد، در این صورت دیوان از ورود به رسیدگی به آن پرونده خودداری می‌نماید مگر اینکه دلایل و مستندات وجود داشته باشد که دولت مزبور نسبت به بررسی، محاکمه و تحقیقات آن پرونده تمایل یا توانایی کافی را نداشته باشد در نتیجه در کیفیت محاکمه یا تحقیقات اشکالات جدی

وجود داشته باشد (شیایزری، ۸۳، ص ۵۲۳).

یکی از وظایف مهم دادستان (ثانوال) دیوان این است که تحقیقات کاملی را از متهمان و مظنونان به ارتکاب جنایات بین المللی انجام دهد که لازمه این تحقیقات، دسترسی به متهمان است. لذا دادستان می تواند از شعبه مقدماتی دیوان تقاضای صدور قرار بازداشت موقت یا احضاریه متهمان را بنماید (صابر، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱).

۳-۳-۱. درخواست های موازی

ماده ۹۰ اساسنامه، «درخواست های موازی» دول و دیوان را بیان می دارد. اگر شخص واحد بر مبنای جنایت واحد، مورد درخواست دیوان و یکی از دولت ها قرار بگیرد، در این صورت میان دول عضو دیوان و دول غیر عضو دیوان تفاوت قائل شده است: اگر این درخواست از طرف دول عضو دیوان و دیوان باشد، دولت مورد درخواست، با رعایت شرایطی (بند الف و ب ماده ۹۰)، باید اولویت را به دیوان داده و شخص مذکور را برای رسیدگی به دیوان تسلیم کند (بند ۲ ماده ۹۰) ولی اگر این درخواست از ناحیه دول غیر عضو و دیوان باشد، دو صورت پیدا می کند:

الف) اینکه دولت مورد درخواست، مقید به یک تعهد بین المللی دیگری- نظیر قرارداد استرداد مجرمین ... با یک کشور دیگر- نباشد، در این صورت نیز اولویت با دیوان است (بند ۴ ماده ۹۰) و شخص مورد تعقیب را باید به دیوان تحویل دهد. ب) اینکه دولت مورد درخواست موازی، متعهد به استرداد شخص مورد نظر با یک دولت غیر عضو باشد، در این صورت، دولت مورد درخواست موازی، در تحویل شخص مذکور، مخیر است که تقاضای دیوان را ترجیح می دهد و آن را به دیوان تحویل می دهد یا تقاضای دولت غیر عضو را اولویت داده و آن را به دولت غیر عضو تحویل می دهد (بند ۶ ماده ۹۰). به عنوان نمونه، کشور هلند که قرارداد استرداد مجرمین- یک تعهد بین المللی دیگر- با دولت آمریکا (دولت غیر عضو اساسنامه) دارد، اگر تقاضای دیوان و دولت آمریکا را (به صورت موازی) دریافت کند، بر اساس اینکه مختار در انتخاب اولویت بود، درخواست آمریکا را اولویت داده و متهم را به آمریکا تحویل می دهد نه به دیوان (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۷).

۳-۳-۲. جمع‌آوری ادله و مدارک

نوع دیگری از همکاری و معاضدت قضایی دول با دیوان کیفری بین‌المللی، جمع‌آوری ادله و مدارک است که در ماده ۹۳ اساسنامه تحت عنوان «شکل‌های دیگر همکاری» آمده است. مهم‌ترین شکل‌های دیگر همکاری عبارت‌اند از: جمع‌آوری ادله و مدارک، انجام تحقیقات از اشخاص و معاینه محل، توقیف اموال، انتقال پرونده‌ها، ضبط آلات جرم، مصادره اموال مرتبط با جرم، حمایت از قربانیان و شهود، اعلام هویت و موقعیت مکانی اشخاص یا موقعیت اشیاء و...

۳-۳-۳. تعیین و اجرای مجازات

سومین مورد همکاری و مساعدت قضایی دول با دیوان در اجرا و اعمال مجازات بر محکومین قطعی است. برخلاف اساسنامه محاکم بین‌المللی گذشته نظیر محکمه نورنبرگ و یوگوسلاوی سابق که مقوله مجازات مورد توجه خاص قرار نگرفته بود، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی توجه خاصی به آن شده و مجازات تعیین شده شفاف‌تر بیان شده و نوع مجازات (حبس) و کمیت آن نیز مشخص شده است: ماده ۷۶ اساسنامه به تعیین مجازات محکومین پرداخته است. شعبه بدوی دیوان، مجازات مناسبی که بر محکوم‌علیه تحمیل می‌شود را تعیین می‌کند و ماده ۷۷ اساسنامه، اجرای مجازات و اینکه چه مجازاتی قابل اعمال است را بحث نموده است. بند ۱ ماده ۷۷ از مجازات حبس معین (حداکثر سی سال) و حبس ابد برای اشخاصی که جنایات مندرج در ماده ۵ اساسنامه^۱ را مرتکب شده‌اند، یاد کرده است. دول عضو اساسنامه در اجرای مجازات حبس محکومین دیوان، هیچ تعهدی ندارند و دیوان نمی‌تواند آن‌ها را ملزم سازد و تعیین نماید که فلان کشور باید محکومان دیوان را جهت اجرای مجازات حبس‌شان بپذیرند مگر اینکه تعدادی از کشورها به صورت داوطلبانه خودشان تمایل خود را مبنی بر اجرای مجازات زندان و حبس محکومین دیوان اعلام داشته باشند (بند ۱ ماده ۱۰۳ اساسنامه) فقط یک مورد استثناء وجود دارد و آن کشور میزبان دیوان یعنی کشور هلند است که طبق بند ۱ ماده ۳، به‌عنوان مقر

۱. ماده ۵ اساسنامه: ... دیوان به‌موجب این اساسنامه در رابطه با جنایات‌های زیر صلاحیت رسیدگی خواهد داشت: جنایات ژنوساید (نسل‌کشی)، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایات تجاوز.

دیوان تعیین شده است و باید متعهد به اجرای مجازات حبس محکومان دیوان باشد اما بقیه دولت‌ها اختیاری است (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۹).

۳-۴. موارد استثناء از همکاری با دیوان

ماده (۸۶) اساسنامه، صریحاً از کشورهای عضو دیوان خواستار همکاری قضایی (تکلیف عمومی) در تحقیقات و جمع‌آوری ادله و مدارک شده است و به موجب بند (۱) ماده ۹۳، دولت‌ها موظف‌اند تقاضای قضایی و حقوقی دیوان را اجابت نمایند اما این درخواست و این اجابت مطلق نبوده و در سه مورد قابل رد و عدم پذیرش است. بدین معنا که دولت‌ها می‌توانند در سه مورد ذیل، درخواست همکاری قضایی دیوان را بر اساس مصلحت‌ها و مفسده‌های ملحوظ ملی و حاکمیتی‌شان اجابت ننموده و نپذیرند و دیوان با احترام به این عدم پذیرش دولت‌ها، آن را به رسمیت شناخته و پذیرفته است:

الف) به موجب بند (۳) ماده ۹۳، مورد نخست از موارد استثنایی جایی هست که این همکاری (همکاری خاص) از نظر دولت مورد تقاضا، بر اساس یک اصل حقوقی مسلم، اساسی و عام ممنوع و غیر قابل اجابت باشد. دولت مزبور ابتدا باید در این ارتباط وارد رایزنی و مشورت با دیوان گردد و در صورتی که رایزنی به نتیجه نرسیده و با بن بست مواجه شود، دیوان درخواست خودش را اصلاح کرده و نظر دولت مورد تقاضا را محترم می‌شمارد (اردبیلی، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

ب) یکی از مسائلی که دولت‌ها نسبت به آن بسیار حساسیت نشان می‌دهند، امنیت ملی آن‌هاست. هر دولتی اکراه دارد اطلاعات مرتبط با امنیت ملی کشور خود را در اختیار یک دادگاه بین‌المللی قرار دهد. اساسنامه دیوان با درک و توجه به این مهم، مقررات متعددی را در مورد جلوگیری از افشاء اطلاعات محرمانه‌ای که امنیت ملی یک کشور را به مخاطره می‌اندازد، در اساسنامه‌اش آورده است: به موجب جزء (ه) و (و) بند ۳ ماده ۵۴، دادستان باید موافقت نماید که اسناد و اطلاعاتی که تحت شرایط محرمانه ماندن حاصل شده است، افشا نکند و همین‌طور «تدابیری ضروری» را جهت تضمین محرمانه ماندن اطلاعات محرمانه و امنیتی درخواست

یا اتخاذ نماید. جزء (ج) از بند ۳ ماده ۵۷ اساسنامه، شعبه بدوی را موظف ساخته است تا نسبت به محافظت لازم و ضروری از اطلاعاتی که مربوط به امنیت ملی دولت‌ها می‌شود، اقدامات لازم و کافی انجام دهد. ماده ۷۲ اساسنامه تحت عنوان «محافظت از اطلاعات محرمانه ملی» نیز تأکید روی همان مطلب فوق داشته است و سرانجام بند ۴ ماده ۹۳ و بند ۵ ماده ۹۹، سنگ تمام گذاشته و حرف آخر را می‌زنند: دولت‌های عضو می‌توانند تقاضای دیوان مبنی بر ارائه اسناد و افشای مدارکی که مربوط به امنیت ملی دولت مورد تقاضا می‌شود را بعضاً یا کلاً نپذیرفته و از آن امتناع ورزند^۱ (شیایزری، ۱۳۸۳، ص ۵۲۵).

ج) طبق بند (ل) ماده ۹۳ اساسنامه دیوان، مورد سوم از موارد استثناء از همکاری جای هست که «رد درخواست همکاری خاصی که در فهرست مندرج در بند (۱) ماده ۹۳ مقرر شده و به موجب قانون دولت مورد تقاضا منع نشده باشد» (اردبیلی، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

۴. معاضدت قضایی دولت افغانستان با دیوان کیفری بین‌المللی

موضوع همکاری دولت افغانستان با دیوان، فرع بر الحاق این کشور به دیوان کیفری بین‌المللی است. الحاق افغانستان به اساسنامه محکمه جزایی بین‌المللی^۲ (اساسنامه رم) در زمان دولت انتقالی حامد کرزی (۱۳۸۱ ش) مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۳ ش، در مجلس عالی وزرا تصویب گردید. در تاریخ ۹ دلو (بهمن) ۱۳۸۱، کرزی رئیس دولت انتقالی فرمان رسمی صادر نموده و الحاق رسمی دولت افغانستان را به محکمه جزایی بین‌المللی تأیید و منظور داشتند (حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان-فرمان شماره (۱۹۷). این فرمان در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۲ از سوی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان محمد اشرف غنی تأیید و برای نشر در جریده رسمی منظور گردیده و سرانجام، در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۱۱ ش (۳۱ مارچ ۲۰۰۳)، دولت اسلامی افغانستان رسماً به دادگاه (محکمه) جزایی

۱. بند ۴ ماده ۹۳ اساسنامه: مطابق ماده ۷۲، یک دولت عضو فقط در صورتی می‌تواند درخواست همکاری دیوان را بعضاً یا کلاً رد نمایند که درخواست در مورد ارائه هر سند یا افشای هر دلیلی باشد که مرتبط با امنیت ملی آن دولت باشد.

۲. اصطلاح جریده رسمی دولت اسلامی افغانستان.

بین المللی پیوست (وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، شماره فوق العاده جریده رسمی-تاریخ نشر: ۱۳۹۷/۷/۱۱ ش-نمبر مسلسل ۱۳۱۱).

لازم به تذکر است چون صلاحیت محکمه جزایی بین المللی صلاحیت تکمیلی است، این محکمه زمانی دارای صلاحیت در افغانستان می شود که حکومت افغانستان نتواند اراده و توانایی خویش برای رسیدگی ملی به این جرائم را ثابت کند. صلاحیت تکمیلی دیوان که در پایان مقدمه (...دیوان، مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود) و ماده یک اساسنامه (...و مکمل صلاحیت های کیفری ملی خواهد بود...) بحث شده است و به علت عدم توانایی دیوان در رسیدگی به پرونده های زیاد ارجاعی و احترام به حاکمیت دولت ها، به عنوان اساس قابلیت پذیرش دعوا مطرح گردیده است، بدین معناست که در موارد جنایات در صلاحیت دیوان، اولویت رسیدگی با محاکم ملی است ولی اگر چنانچه دیوان احرار نماید که محاکم ملی، «توان» شروع به رسیدگی یا «تمایلی» نسبت به این امر ندارند، دیوان می تواند صلاحیتش را اعمال نموده و شروع به رسیدگی کند (طهماسبی، ۱۳۹۵، ص ۲۹۹-۲۹۷).

۵. جرائم بین المللی مشمول صلاحیت دیوان

ماده ۵ اساسنامه دیوان، جرائم چهارگانه ذیل را به عنوان شدیدترین جنایت های مورد دغدغه جامعه بین المللی نامیده و مشمول صلاحیت قضایی محکمه جزایی بین المللی دانسته است: ماده ۵ اساسنامه: ... دیوان به موجب این اساسنامه در رابطه با جنایت های زیر صلاحیت رسیدگی خواهد داشت: جنایات ژنوساید (نسل کشی)، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایات تجاوز^۱. این چهار نوع جرم، شدیدترین جرایمی است که دامن گیر کل جامعه جهانی است. جنایت نسل کشی به معنی نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، مذهبی و نژادی است. (ماده ۶) نسل کشی به عنوان یکی از قواعد مسلّم حقوق بین الملل عرفی، در زمان جنگ و صلح جرم دانسته شده است (ماده ۱ کنوانسیون نسل کشی ۱۹۴۸). بنابراین همه کشورها-اعم از کشورهایی که کنوانسیون را تصویب کرده اند یا نکرده اند-ملزم

1. Genocide, Crime against humanity, War crime and Aggression.

به رعایت آن هستند عنصر اصلی در نسل‌کشی «قصد» است که باید به اثبات برسد (رابرتسون، ۱۳۸۸، ص ۳۱۸).

جنایات علیه بشریت عبارت است از حمله عامدانه و گسترده یا سازمان‌یافته علیه هر جمعیت غیر نظامی که شامل قتل عمدی، ریشه‌کن کردن، به بردگی گرفتن، تبعید یا کوچ اجباری، حبس یا محرومیت شدید، شکنجه، تجاوز جنسی و تعقیب و آزار مشخص و... است (بند ۱ ماده ۷). منظور از جنایات جنگی، نقض فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو، شامل کشتار عمدی، شکنجه یا رفتار غیر انسانی، تخریب و ضبط گسترده اموال، بدرفتاری با اسیران جنگی و... بیان شده است (بند ۱ ماده ۸). به علت اینکه در ابتدا و زمان تأسیس دیوان، کشورهای جهان به تعریف واحدی از «تجاوز» که پیش‌درآمد منازعات بین‌المللی به شمار می‌رود، نرسیده بودند، این جرم قابل تعقیب نبود ولی قرار شد این جرم به‌عنوان یکی از موضوعات مورد بحث در «کنفرانس بازبینی» باشد که هفت سال پس از به اجرا گذاشتن اساسنامه (۲۰۱۰) تشکیل خواهد شد (رابرتسون، ۱۳۸۸، ص ۴۵۲).

این کنفرانس در تاریخ ۳۱ ماه می تا ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ (۱۰ الی ۲۱ جوزای-خرداد-۸۹) در شهر «کامپالا» پایتخت اوگاندا به‌منظور تعریف «تجاوز» برگزار گردید و سه مرجع احرارکننده وقوع جنایت تجاوز، توسط قطعنامه ۴/۴۰۰۰ RC/RES مجمع عمومی ملل متحد که شامل یک مقدمه، پنج بند اجرایی و ۳ ضمیمه است، مورد تصویب قرار گرفت: شورای امنیت ملل متحد، ارجاع دولت‌ها و شروع اعمال صلاحیت توسط دادستان دیوان. بند ۱ ضمیمه ۱ به تعریف تجاوز پرداخته است: جنایت تجاوز یعنی طراحی، آماده‌سازی، شروع و اجرای عمل تجاوزکارانه و به دلیل ماهیت، شدت و مقیاس، مصداق بارزی از نقض منشور سازمان ملل باشد. عمل تجاوزکارانه یعنی استفاده از نیروهای مسلح توسط یک دولت بر علیه حق حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر شکل دیگری که با منشور ملل متحد ناسازگار باشد (موسی‌زاده و امینیان، ۱۳۹۰، ص ۵۵).

در کد جزای افغانستان مصوب (۱۳۹۶ ش) از ماده ۳۳۲-۳۴۳ به تعریف و توضیح

جرائم نسل‌کشی، جرائم جنگی، تجاوز (تجاوز علیه دولت) و جرائم علیه بشریت اختصاص یافته است.

نتیجه‌گیری

منافع تمام کشورهای جهان در همکاری و مساعدت با همدیگر و با دیوان (محکمه) کیفری بین‌المللی است.

تشکیل یک مرجع قضایی بین‌المللی و بی‌طرف که موانع و حصارهای حاکمیتی و مصونیت‌ها را برداشته و هیچ پناهگاه امنی برای جنایتکاران باقی نگذارد، لازم و از نیازهای مبرم امروز جامعه جهانی است که با تأسیس دیوان (محکمه) کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۰۲ گام نخست آن برداشته شده و نور امید در دل عدالت‌خواهان روشن شده است. اما گام دوم آن همکاری همه‌جانبه به‌خصوص همکاری قضایی همه کشورهای جهان با این محکمه است که هر روز بیشتر از دیروز در حال گسترش است و به‌جز از چند کشور محدود، اکثر کشورها بدان ملحق شده‌اند یا در حال الحاق هستند. افغانستان یکی از آن کشورهاست که در سال ۲۰۰۳ بدان ملحق شده و متعهد به همکاری همه‌جانبه با دیوان است. اساسنامه رم که زیربنای اصلی تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی است، ماهیت قراردادی داشته و مبتنی بر رضایت طرفین است. بر همین اساس، دول عضو اساسنامه، ملزم به همکاری در امر تحقیق و تعقیب و جمع‌آوری ادله با دیوان هستند در حالی که این الزام برای دول غیر عضو نیست.

فصل نهم اساسنامه دیوان (ماده ۸۶) تحت عنوان «تعهد عمومی به همکاری» اختصاص به همکاری و معاضدت قضایی دول با دیوان دارد. ماده ۸۷ اساسنامه به تفصیل و تشریح وضعیت تعهدات دول عضو و غیر عضو پرداخته است و بند ۵ ماده ۸۷ اساسنامه، به همکاری دول غیر عضو اختصاص یافته است. اساسنامه در مورد همکاری دول عضو از کلمه «درخواست» و در ارتباط به همکاری دول غیر عضو، از کلمه «دعوت» استفاده کرده است که ماهیت اختیاری و داوطلبانه اساسنامه را نشان می‌دهد. افغانستان به‌عنوان کشور عضو اساسنامه، متعهد به همکاری همه‌جانبه با دیوان در امر تحقیق و تعقیب و جمع‌آوری ادله و تسلیم متهم یا مجرم با دیوان هست.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۳)، همکاری دولتها با دیوان کیفری بین‌المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۵.
۲. افتخاری، رضا، (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل عمومی، مشهد: مرنديز، چاپ اول.
۳. دلخوش، علیرضا، (۱۳۹۰)، مقابله با جرائم بین‌المللی-تعهد دولتها به همکاری، تهران: شهر دانش، چاپ اول.
۴. دیهیم، علی‌رضا، (۱۳۸۴)، درآمدی بر حقوق کیفری بین‌المللی در پرتو اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه.
۵. رهگشا، امیرحسین، (۱۳۹۳)، رابطه حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی با شورای امنیت ملل متحد، تهران: مجد، چاپ اول.
۶. شیايزری، کریانگ ساک کیتی، (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سمت، چاپ اول.
۷. صابر، محمود، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری بین‌المللی، تهران: دادگستر، چاپ اول.
۸. صادقی، میر محمد، (۱۳۸۳)، دادگاه کیفری بین‌المللی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
۹. طهماسبی، جواد، (۱۳۹۵)، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، تهران: میزان، چاپ اول.
۱۰. عباسی، محمود، (۱۳۷۳)، استرداد مجرمین، تهران: گنج دانش، چاپ اول.
۱۱. فروغی، فضل‌الله و بهزاد جودکی، (۱۳۹۶)، راه‌حل‌های تعارض صلاحیت‌ها در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل، مجله حقوق بین‌الملل، شماره ۵۷.
۱۲. کد جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۶.
۱۳. محمد نسل، غلامرضا، (۱۳۸۵)، مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، تهران: دادگستر، چاپ اول.

۱۴. موسی زاده و اکبر امینیان، (۱۳۹۰)، جمهوری اسلامی ایران و دیوان کیفری بین المللی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

۱۵. ناصر زاده، بابک، (۱۳۸۸)، دیوان کیفری بین المللی، تهران: بهنامی، چاپ اول.

۱۶. نجارزاده، زینب و دیگران، (۱۳۹۵)، معاضدت قضایی بین المللی در مبارزه با بزهکاری، سومین همایش ملی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میبد، بهمن ماه.

۱۷. وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، شماره فوق العاده جریده رسمی-تاریخ نشر: ۱۳۹۷/۷/۱۱، نمبر مسلسل (۱۳۱۱).

۱۸. یوسف، امیر فرج، (۲۰۰۹)، المحکمة الجنائية الدولية و مشكلة دارفور، الاسكندرية.

19. Wenqi, Zhu, on co-operation by states not party to the International Criminal Court, international review of the Red Cross, Volume 88 Number 861, March 2006.